

اندیشه عاشورایی امام خمینی (ره) و تاثیر آن در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران

محمد رحیم عیوضی^۱، حسن سعیدی^۲

تاریخ پذیرش: 1401/06/01

تاریخ دریافت: 1400/08/16

چکیده:

عاشورا جوشش عشق ایثار و شهادت است یکی از مهم ترین ابعاد عاشورا، درس ها و عبرت های آن است. تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم ستیزی، دوری جستن از خط انحراف الهام گرفتن و الگو قرار دادن اسوه های هدایت از درس های و عبرت های عاشورا است که در بیانات امام خمینی (ره) بیان شده است. بدن هایی که ناگهان در هیئت های چند هزار نفری و چند میلیونی به خیابان های شهرهای ایران ریختند چه کسانی بودند؟ این بدن هایی که نه از خطر تانک می ترسیدند و نه از توپ و هیچ ترس از مردان مسلحی که در مقابل آن ها بودند نداشتند. چه کسی ترس معمول و معقول از درد و مرگ را از بین برده بود؟ مقاله حاضر در پاسخ به این سوال اصلی است که درسها و عبرت های عاشورا چه تاثیری بر شکل دهی به آرمان ایثار، جهاد، استکبار ستیزی و شهادت طلبی، امر به معروف و نهی از منکر در بیانات امام خمینی (ره) داشته است؟ روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی محتوا در چارچوب تجزیه و تحلیل داده های اسنادی و بعضاً تاریخی، توضیحی می باشد. یافته های تحقیق که در پاسخ به سوال اصلی مطرح شده نشان می دهد که زیارت عاشورا و مداومت بر خواندن آن که در زندگانی امام خمینی (ره) اهمیت فراوان داشته است و این اهمیت و مداومت، باعث الگو گیری از آن زیارت مقدس شده و ضمن توصیهای خواندن آن به شاگردان، سبب درسها و عبرتهایی چون تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم ستیزی، دوری جستن از خط انحراف الهام گرفتن، امر به معروف و نهی از منکر و الگو قرار دادن اسوه های هدایت شده و این درسها در بیانات و سخنرانی هان بزرگوار مکرراً بیان شده است.

واژگان اصلی: زیارت عاشورا، ایثار، شهادت طلبی، امام حسین (ع)، جهاد، امام خمینی (ره).

مقدمه

از قرن‌ها پیش عاشورا به عنوان تجلی روز درگیری حق و باطل و روز فداکاری و جانبازی در راه دین و عقیده، شناخته شده است. حسین بن علی (ع) در این روز، با یارانی اندک ولی با ایمان و صلابت و عزتی بزرگ و شکوهمند با سپاه سنگدل و بی‌دین حکومت ستم یزدی به مقابله برخاست و کربلا را به صحنه همیشه زنده عشق خدایی و آزادگی و حریت مبدل ساخت. عاشورا گرچه یک روز بود، اما دامنه تاثیر آن تا ابدیت کشیده شد و چنان در عمق وجدانها و دلها اثر گذاشته که همه ساله دهه محرم و بویژه عاشورا، اوج عشق و اخلاص نسبت به معلم حریت و اسوه جهاد و شهادت، حسین بن علی (ع) می‌گردد و همه، حتی غیر شعیه، در مقابل عظمت روح آن آزادمردان تعظیم می‌کنند. امام حسین (ع) که به دعوت اهل کوفه از مکه عازم این شهر بود تا به شیعیان انقلابی بپیوندد و رهبری آنان را به عهده گیرد، پیش از رسیدن به کوفه، در کربلا به محاصره نیروهای ابن زیاد در آمد و چون حاضر نشد ذلت تسلیم و بیعت با حکومت غاصب و ظالم یزیدی را بپذیرد، سپاه کوفه با او جنگیدند. حسین و یارانش روز عاشورا لب تشنه با رشادتی شگفت تا آخرین نفر جنگیدند و به شهادت رسیدند و بازماندگان این قافله نور، به اسارت نیروهای ظلمت درآمده به کوفه برده شدند. هفتاد و دو تن یاران شهید او، بزرگترین حماسه بشری را آفریدند و یاد خویش را در دل تاریخ و وجدان بشرهای فضیلت خواه، ابدی ساختند. عاشورا در مقایسه با بسیاری از رخدادهای دیگر، حجم کمی از وقایع را به خود اختصاص داده و آغاز و انجام آن، در برهه ای کوتاه اتفاق افتاده است. اما یکی از حوادثی است که در طول تاریخ خویش، بیشترین توجه را به خود جلب کرده و علاوه بر نقش گسترده و تاثیر عمیق اجتماعی تاریخی خود، به صورت فرهنگی ویژه با ساختاری منحصر به فرد در آمده است.

مقاله حاضر در پاسخ به این سوال اصلی است که درسها و عبرتهای عاشورا چه تاثیری بر شکل دهی به آرمان ایثار، جهاد، استکبار ستیزی و شهادت طلبی، امر به معروف و نهی از منکر در بیانات امام خمینی (ره) داشته است؟ روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی در چارچوب تجزیه و تحلیل داده‌های اسنادی و بعضاً تاریخی، توضیحی می‌باشد. یافته‌های تحقیق که در پاسخ به سوال اصلی مطرح شده نشان می‌دهد که زیارت عاشورا و مداومت بر خواندن آن که در زندگانی امام خمینی (ره) اهمیت فراوان داشته است و این اهمیت و مداومت، باعث الگو گیری از آن زیارت مقدس شده و ضمن توصیه‌های خواندن آن به شاگردان، سبب درسها و عبرتهایی چون تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم‌ستیزی، دوری جستن از خط انحراف، الهام گرفتن، امر به

معروف ونهی از منکرو الگو قرار دادن اسوه‌های هدایت شده و این درسها دریانات و سخنرانی ه‌آن بزرگورا مکررا بیان شده است.

1- چارچوب نظری

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، به تحولات متعددی در نظریه‌های انقلاب منجر شد و بسیاری از نظریه‌پردازان، ناگزیر به تجدیدنظر در آراء خود شدند تا بتوانند انقلاب اسلامی ایران را که ویژگی‌های متمایز و منحصر فراوانی داشت، تبیین کنند. با توجه به همین تنوع دیدگاه‌ها، بعد از انقلاب اسلامی نیز طیفی از نظریات جدید مطرح شد که در این سر، از جامعه‌شناختی‌ترین نظریات شروع می‌شد و در آن سر، به نظریات عرفانی و ماوراء الطبیعی می‌رسید. میشل فوکو، فیلسوف - جامعه‌شناس فرانسوی، با دادن تحلیلی معنویت‌گرایانه، خیزش شیعه را رمز انقلاب ایران و دمیدن روحی به کالبد جهان بی‌روح ایرانی دانست. برای تحلیل درسها و عبرت‌های عاشورا با الگوگیری از زیارت عاشورا و تأثیر آن در شکل دهی به آرمان اینار، جهاد و شهادت طلبی دریانات امام خمینی (ره) از الگوی لیلی عشقی بهره گرفته شده است درذیل به تحلیل الگوی نظری عشقی می پردازیم.

1-1 روش شناسی تاویلی لیلی عشقی: نقش متافیزیک ایرانی در «رخداد» انقلاب

به نظر عشقی «انقلاب ایران ممکن نبود مگر با پیوند سه شرط: بعد عرفانی تشیع، مذهب عامه (عشق به ائمه، رابطه با کربلا) و مسئله موجودیت ملی» رویداد در عرفان شیعی به نقش، جایگاه و اهمیت امام در تشیع ارتباط می یابد. چون «امام یعنی مکان واسط و جایگاه ملاقات که در منطقه خاصی قرار می گیرد. در عالم مثال یا ملکوت که کربن آن را جهان تصویر ترجمه کرده است... ملکوت جایی است که بین جهان ملموس (ملک) و جهان جبروت قرار می گیرد» (لیلی عشقی، 1378، ص 68).

عرفای ما از سفر به عالم ملکوت خبر می دهند. عالمی که بین ملک و جبروت قرار دارد. عالم ملکوت عالم بی زمانی است، زمان آنجا با زمان ملک تفاوت دارد. زمان آنجا باقی است. وقتی کسی به عالم ملکوت راه پیدا کند، نظرش نسبت به دنیا عوض می شود. جایگاه ائمه در عالم ملکوت، یعنی همان عالم واسطه ای است. همانطور که ملکوت بین ملک و جبروت قرار دارد؛ امامان هم واسطه بین بندگان و خدا هستند. هنگامیکه «حادثه ای» روی می دهد، در لحظه حادثه از عالم ملک و امور روزمره و همیشگی کنده می شویم و توانایی های جدیدی به دست می آوریم که در مواقع عادی فاقد آنها بودیم. به رازهایی از خودمان پی می بریم که قبلا از آنها خبر نداشتیم. ترس برای ما بی مفهوم

میشود و از همه علائق دنیوی رها می شویم. به لحاظی می توان گفت لحظه حادثه جهشی است در ملکوت. لحظه ای است که ما از عالم ملک کنده می شویم و در آن عالم بی زمان و مکان قرار می گیریم. این همان تمثیل یا حقیقتی است که زمان حادثه از بافت دیگری است. (همان: 183-184)

جایگاه رویداد همین ملکوت است، جایی خارج از تعین و خارج از زمان، جایی که وقتی از قید زمان و مکان ملموس خارج می شویم به آن جا می رسیم. به قول هانری کربن «برای عرفا سفر به ملکوت در عالم رویا صورت می پذیرد، چنان که گویی رویداد هیچ جای اجتماعی یا عقلایی ندارد». به این ترتیب ملکوت محل ثبت رویداد است، رویدادی که زمان در مفهوم تاریخ را می گسلد و معنای جهیدن ملکوت در جهان عینی است. به قول کربن گذار «ملکوت زمانی رخ می دهد که انسان از لحاظ گسیخت هیچ آگاهی ندارد» (عشقی، 1379 ص. 62)

به نظر خانم عشقی، انسان هایی که در جریان انقلاب اسلامی بی محابا به استقبال مرگ رفته و از توپ و تانک و گلوله نمی ترسیدند، اجسامی بودند که احتیاط معمول و متداول بشری را نداشتند، چراکه گویی در زمان وجودی خاصی می زیستند، «از این عالم بریده و در ملکوت به سر می بردند، ذهنیتی از مردم که قبل از هر چیز باعث حیرت خود آن ها می شود. قبل از آن که دیگران متحیر شوند» (همان: 64). لذا اساساً آن چه در انقلاب ایران اتفاق افتاد گسیخت با زمان بود و این خارجیت از زمان تبدیل به ویژگی بارز و دکترین اصلی این انقلاب گشت. آن چه در نهایت ارتش قدرتمند ایران را در برابر انقلاب مردم این کشور به تسلیم واداشت، همین خصوصیت رویدادی یا ملکوتی این انقلاب بود، چون در نهایت این ارتش «به این نتیجه رسید که آن چه در برابر آن قرار گرفته است، بدن های معمولی نیستند، شوقی دیگر دارند و دیگر ترس از ارتش به دل راه نمی دهند» (همان: 65).

لذاست که ارتش نیز خود را به دست و رویداد رها کرد و به قول خانم عشقی «در برابر ملکوت تسلیم شد»

1-2- شجاعت ویژه انقلابیون و قیام عاشورا

عشقی معتقد است انقلاب اسلامی یک «حادثه درونی» است که برای ملت ایران اتفاق افتاده است. مردم ناگهان به گونه ای عمل کردند که همه دنیا و حتی خودشان هم از اینکه این طور شجاعت به خرج دادند، تعجب کردند. در حادثه انقلاب گویی هیچ چیز برای مردم مهم نبود و مردم صرفاً در صدد ابراز وجود خود بودند. می خواستند وجود داشته باشند و حرف خود را بزنند. کلامی که تأویل اسلامی و تحقق آن بود. درست از جنس حرکت امام حسین (ع) که آن حرکت نیز، حرکتی وجودی

بود که گرچه به مرگ منتهی شد امام آغازگر حرکت‌های متعدد در بستر تاریخ شد. ایران نوزایی خود را در تشیع می‌دید. کنت دوگوبینو که در قرن 19 به صحنه تعزیه‌ها می‌نگریست و در چهره امام حسین (ع) ایران مثله شده را می‌یافت، خوب می‌توانست این انقلاب را درک کند؛ ایران کشته شده، سر بریده امام محبوب خدا. تشیع به مانند چهره امام حسین (ع) خود قسمتی از هستی ما محسوب می‌شود. شیعه هم بهترین قسمت هستی ماست که از اسلام مهاجمین گرفته‌ایم؛ چنانکه گویی از دشمن هم می‌توان چیزی گرفت و آن را به قسمتی از سرنوشت خود تبدیل کرد. بارها ما دشمن را گرفته‌ایم و تقسیم کرده‌ایم و بر پایه آن خود را تعریف کرده‌ایم.

امام حسین (ع) ترجمان «ایران مثله شده» است... . ایران عصر اسلامی بر محور کربلا و خون امام حسین (ع) استوار است. درست مثل ایران باستان که بر خون ایرج استوار بود. ... باید گفت که هیچ شروعی، شروعی، شروع مطلق نیست. خوشبختانه به رغم ظواهر ایران هم باید گفت که امام حسین (ع) در انقلاب اسلامی حضور دارد. بنابراین امام خمینی (ره) با درسها و عبرتایی که از عاشورای امام حسین گرفته است سبب شده است تا شور حسینی یعنی ایثار، جهاد و شهادت سبب شکل‌گیری بدن‌هایی که نه از خطر تانک می‌ترسیدند و نه از توپ و هیچ ترس از مردان مسلحی که در مقابل آن‌ها بودند نداشتند. چون الگوی آنان امام حسین (ع) بوده است

2- اهمیت زیارت عاشورا در بین سماواتیان

در کتاب کامل الزیارة روایت شده است که حق تعالی امر فرمود، به ملائکه که زیارت کنند موضع دفن حضرت سیدالشهداء (علیه‌السلام) را هزار سال پیش از شهادت آن بزرگوار و همچنین روایت شده است که در وقت هر نماز از نمازهای پنج‌گانه هفتاد هزار ملائکه به زیارت آن سرور مشرف می‌شوند و تا روز قیامت نوبت زیارت به ایشان میسر نمی‌شود. (کامل الزیارة، 1356، ص 352)

امام محمد باقر (علیه‌السلام) به علقمه فرمود:

«پس از آن‌که به آن حضرت با سلامی اشاره کردی، دو رکعت نماز بخوان و سپس زیارت عاشورا را بخوان. هنگامی که این زیارت را خواندی در حقیقت او را به چیزی خواندی که هر کس از ملائکه که بخوانند او را زیارت کنند، به آن می‌خوانند و خداوند برای تو هزار هزار حسنه می‌نویسد و از تو هزار هزار سیئه محو می‌نماید و تو را هزار هزار مرتبه بالا می‌برد و همانند کسانی می‌باشی که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیدند. حتی در درجات آن‌ها هم شریک می‌شوی.» (همان، ص 74)

امام صادق(علیه‌السلام) به صفوان می‌فرماید:

«زیارت عاشورا را بخوان و از آن مواظبت کن، به درستی که من چند خیر را برای خواننده آن تضمین می‌کنم، اول زیارتش قبول شود. دوم سعی و کوشش او شکور باشد. سوم حاجات او هر چه باشد از طرف خداوند بزرگ برآورده شود و نا امید از درگاه او برنگردد، زیرا خداوند وعده خود را خلاف نخواهد کرد.» (بحارالانوار، 1386، ج 98، ص 300)

«اگر مردم می‌دانستند زیارت امام حسین(علیه‌السلام) چه ارزشی دارد، از شدت شوق و علاقه می‌مردند و حسرت رسیدن به آن پادشاه، جسم و روح آن‌ها را پاره پاره می‌کرد.» (همان، ص 18)

زیارت امام حسین(علیه‌السلام) بر هر مؤمنی که اقرار به امامت ایشان داشته باشد، واجب است. (همان، ص 69)

کسی که امام حسین(علیه‌السلام) را تنها برای رضا و خوشنودی پروردگار، و نه برای کسب شهرت زیارت کند، خداوند تمامی گناهان او را پاک می‌کند. (همان، ص 4)

عاشورا و کربلا در نگاه امام جایگاه ویژه‌ای دارد و امام نظر گاه بلندی به عاشورا افکنده و آن را دست مایه سترگی برای آفرینش انقلاب اسلامی یافته و از آن الهام گرفته است امام خمینی(س) قیام خود را برگرفته از قیام سیدالشهدا معرفی می‌کند و به آن افتخار می‌کند و یادآور می‌شود که مابایستی درسهای شجاعت، شهادت، عدالت، عدالت خواهی، مبارزه با ظلم و دفاع از مکتب را فراگیریم. به همین جهت حضرت امام احترام ویژه‌ای نیز برای سالار شهیدان امام حسین(ع) قائل بودند.

3- مداومت امام خمینی(ره) به زیارت عاشورا

بی شک یکی از مهمترین اسباب موفقیت امام خمینی در پیشبرد انقلاب اسلامی ایران توجه تام ایشان به خداوند متعال و توسلات ایشان به ائمه اطهار بوده است. به طور خاص در مورد توسل ایشان به امام حسین(ع) نوشته اند: در تمام مدت تبعید امام خمینی (ره) به نجف اشرف، جز در موارد استثنایی، برنامه زیارت هر شبۀ ایشان هرگز ترک نشد. ایشان در اغلب ایام زیارتی، از نجف اشرف به کربلای معلای رفتند و در کنار قبر امام حسین(ع) مشغول زیارت و توسل بودند. در سایر ایام و به خصوص در دهۀ عاشورا، هر روزه زیارت عاشورای معروف را با صد مرتبه لعن و سلام می

خواندند. پس از بازگشت امام خمینی (ره) به ایران، علی رغم تمام گرفتاری های ناشی از رهبری انقلاب و نظام، برنامه توسلات و زیارت های ایشان و به خصوص زیارت عاشورا ایشان ترک نگردید. ایشان روزها تسبیح در دست می گرفتند و در حالی که در حیاط منزل قدم می زدند، زیارت عاشورای معروف را با صد لعن و سلام می خواندند. در این ساعات کمتر کسی نزدیک و مزاحم امام می شد. در این قسمت از مقاله سعی می شود از زبان یاران و شاگردان امام (ره) اهمیت ایشان به زیارت عاشورا بیان شود

2-1. در پاریس زیارت عاشورا می خواندند

روز اول محرم در نوفل لوشاتو مصادف بود با اولین شبی که مردم ایران در پشت بامها تکبیر می گفتند. همان شب شخصی از تهران تلفن زد و گفت گوشی را می گذارم کنار پنجره تا صدای تکبیر مردم را که با گلوله مخلوط شده بود بشنوید صدا را ضبط کرده خدمت امام بردیم. اما در داخل اتاق تسبیح به دست در حال ایستاده مشغول ذکر بودند و زیارت عاشورا می خواندند. در حالی که ما متوجه مسایل ماه محرم نبودیم، ایشان در سرزمینی زیارت عاشورا می خواندند که شاید برای اولین بار در آنجا خوانده می شد. (فردوسی پور، روزنامه رسالت، 14 / 4 / 68)

2-2. قبل از زیارت عاشورا بیاورید

خیلی از افراد و شخصیتها وقتی در شرایط مختلف قرار می گیرند برنامه ها و وضعیت آنها فرق می کند، ولی امام در تمام حالات و وضعیتان تغییر پیدا نمی کرد؛ مثلاً امام همیشه در دهه محرم زیارت عاشورا را می خواندند. هر سال از ابتدای دهه محرم ساعت نه صبح به حرم حضرت علی (ع) مشرف می شدند و زیارت امین الله و زیارت عاشورا می خواندند. این امر تا هشت محرم ادامه داشت. بعد این برنامه با تشریف امام به کربلا در حرم امام حسین (ع) انجام می شد. این برنامه چهارده ساله امام در نجف و عراق بود. در دهه محرم سال 57 هنگامی که در پاریس بودیم هر روز ساعت نه صبح یکی از برادران مأموریت داشت اخبار و گزارشات را خدمت امام تقدیم کند. من روز اول محرم طبق روال روزهای قبل آمدم و وارد منزل شدم. دیدم امام مشغول زیارت عاشورا هستند و پس از اینکه اخبار را دریافت کردند فرمودند: از فردا برنامه را تغییر و ساعت نه کسی برای من خبر نیاورد. قبل یا بعد از زیارت عاشورا اخبار را بیاورید». (محتشمی پور، 1386، ص 139)

2-3. خاطره مرحوم کوثری از امام (ره)

آقای کوثری که سالها در قم روزه خوان خاص امام بود نقل می کرد: پس از شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی وارد نجف شدم، رفقا گفتند خوب به موقع آمدی امام را دریاب که هر چه ما کردیم در مصیبت حاج آقا مصطفی گریه کند از عهده برنیامدیم، مگر تو کاری بکنی. خدمت امام عرض کردم: «اجازه می دهید ذکر مصیبتی بکنم؟ اجازه فرمودند. هر چه نام مرحوم آقا مصطفی را بردم تا با آهنگ حزین امام را منقلب کنم، که در عزای پسر اشک بریزند، ولی امام تغییر حالی پیدا نکردند و همچنان ساکت و آرام بودند ولی همین که نام حضرت علی اکبر(ع) را بردم هنگامه شد. امام چنان گریستند که قابل وصف نیست. (دوانی، 1378، ج 6، ص 72)

2-4. خاطره حجة الاسلام والمسلمین غیوری از امام (ره)

حجة الاسلام والمسلمین غیوری نقل می کند که: روز اول محرم در "نوفل لوشاتو" مصادف بود با اولین شبی که مردم ایران در پشت بامها تکبیر می گفتند. همان شب شخصی از تهران تلفن زد و گفت گوشی را می گذارم کنار پنجره تا صدای تکبیر مردم را که با گلوله مخلوط شده بود ضبط کرده به خدمت امام بردم. امام در داخل اتاق، تسبیح به دست در حال ایستاده مشغول ذکر بودند و زیارت عاشورا می خواندند. در حالی که ما متوجه مسائل ماه محرم نبودیم ایشان در سرزمینی زیارت عاشورا را می خواندند که شاید برای اولین بار در آنجا خوانده می شد. همچنین، ایشان در دهه اول محرم، هر روز زیارت عاشورای معروف را می خواند؛ خادم ایشان گوید: «روزی نزدیک ظهر احساس کردم صدای ضجه و ناله می آید، کمی جستجو کردم، دیدم امام پشت بام منزل رفته، زیارت عاشورا می خواند و اشک می ریزد.» (مجله حوزه، شماره 37، 1361، ص 88)

3- بازخوانی درس کربلا و فرهنگ عاشورا در کلام امام خمینی رحمه الله علیه

امام حسین با عده کم مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز و همه جا باید این «نه» محفوظ بماند/ ائمه خودشان را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند. ماه محرم الحرام فرصت مناسبی برای بازخوانی نظرات صریح بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در خصوص مجالس عزاداری، روزه خوانی و دستجات سینه زنی سید و سالار شهیدان است مروری گذرا بر این نظرات کافی است تا به حساسیت بالای امام خمینی(ره) نسبت به مسئله اقامه عزا پی برد. شاید کمتر موضوعی به توان یافت همانند موضوع روزه و اشک برای سید الشهداء علیه السلام که اینچنین رهبر

فقید انقلاب اسلامی با منتقدینش عتاب آلود سخن گفته باشد. حضرت امام (ره) عزا برای امام حسین علیه السلام را یکی از شعائر الهی و البته سیاسی می‌داند که باید حفظ شود و آنها که با تمسخر ملت ایران را ملت گریه می‌خوانند، خیانتکار معرفی می‌کند اشک و گریه بر سید الشهداء علیه السلام از جمله نکاتی است که حضرت امام (ره) به تبیین ضرورت آن پرداخته و با تأکید بر اینکه ملت ما ملت گریه سیاسی است، خطاب به دشمنان می‌گوید "با همین اشک‌ها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است. جنبه سیاسی عزاداری از جمله مواردی است که از دیدگاه امام راحل (ره) نه تنها حائز اهمیت که اصل آن است که به تعبیر ایشان نقشه عزاداری را ائمه اطهار علیهم السلام برای ما ترسیم کرده‌اند.

آنچه که در ادامه این مقاله می‌آید، بخش‌هایی از سخنان حضرت امام (ره) در این باب است که می‌شود درسها و عبرتهای ذیل را برشمرد.

3-1- مقابل امپراتوری های بزرگ بایستید و نه بگویید

امام (ره) اشک ریختن بر سالار شهیدان را موجب قوت گرفتن در برابر ستمگران می‌داند ایشان در بیانات خود می‌فرماید:

“گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت، و زنده نگه داشتن همین معنا [ست] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد. دستور است. آن دستور عمل امام حسین، سلام الله علیه. دستور است برای همه: كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ؛ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را.

امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه‌ها و جوانهای ما خیال نکنند که مسئله، مسئله «ملت گریه» است! این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملت گریه»! آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم هستند. می‌دیدند که مجالس، مجالسی که در ایران تشکیل می‌شد، مجالس وعظ و خطابه، مجالس روضه، احتمال داشت که برای اینها ضرر داشته باشد، جلوی آن را گرفتند. ما یک وقت دیدیم که در تمام ایران دیگر مجلس روضه‌ای نبود. در قم بعضی از آقایان، آقای صدوقی یزدی مجلس روضه‌ای قبل از اذان صبح داشت که اول اذان دیگر [باید] تمام شده باشد. مجالس را

به کلی از بین بردند. مساجد و ائمه مساجد و مراجع و هر چه بود، اینها از بین بردند. یعنی نگذاشتند دیگر این قوه فعاله قوه داشته باشد. مع الاسف آن روز ملت راهم جوری بار آوردند، تبلیغاتشان طوری در ملت تاثیر کرد، که ملت هم بسیاری از آنها - البته نه همه - بسیاری از قشرهای ملت هم مخالف شدند با روحانیت. تبلیغات آنها تاثیر کرد [و روحانیون] را معرفی کردند به اینکه اینها انگلیسی هستند! همان خود انگلیسها اینها را این جور معرفی می کردند باید گریه کنیم، ما هر روز باید منبر برویم برای حفظ این مکتب باید گریه کنیم، ما هر روز باید منبر برویم برای حفظ این مکتب، برای حفظ این نهضت‌ها؛ این نهضت‌ها مرهون امام حسین - سلام الله علیه - هست. نمی فهمند اینها! بچه‌اند اینها، سوءنیت ندارند. بله خوب، ممکن است بعضی از آنها هم سوءنیت داشته [باشند] بعضی ها هم روی نقشه کار بکنند همان طوری که زمان رضاخان. متها او یک قدری روی نفهمی کرد، بعدها روی فهمیدگی. جلوی منبرها را، همه را گرفت، نگذاشت کسی منبر برود. محراب‌ها را هم همه را یک جور دیگر کرد و گرفت. یک مجلس روضه ای نداشتیم. در همه قم - آن قدری که آن وقت‌ها بود - می گفتند یک مجلس آقای صدوقی بود که قبل از اذان، شاید، یا قبل از آفتاب، تمام می شد، شب بود، این یک مطلبی بود. نه این است که من باب اتفاق رضاخان آمد منبرها را نگذاشت و محرابها را جلویش را گرفت و روحانیون را متحدالشکل کرد، نخیر، مسئله نقشه بود، نقشه اینکه این قوه را بکوبند، این قوه محراب و منبر که از آن می آید یک دفعه یک ملت را هول بدهد به یک طرف، و یک همچو سلطنت را از بین ببرد، این را از بین ببرند؛ این قدرت را از دست ما بگیرند. (صحیفه امام، 1389، ص 354)

3-2- اگر ملی هم هستند باید به این روضه خوانی‌ها دامن زنند

امام(ره) حفظ ملت را به برپایی روضه خوانی‌ها می داند حتی ملت را در هر گرایش فکری دعوت می کنند تا برای حفظ کشور خود به این روضه خوانی‌ها متوسل شوید

"نمی دانند این قشرهای سیاسی که چه خدمتی این منبر، این محراب، به این کشور کرده. اینها چنانچه ملی هستند - ما کار نداریم که آیا به خدا هم کار دارند یا نه - اگر ملی هستند، اگر کشورشان را می گویند می خواهیم، اگر ملت را می گویند که ما می خواهیم، اینها باید دامن بزنند به این روضه خوانی‌ها، برای اینکه این روضه خوانی‌ها این ملت شما را حفظ کرده، این روضه خوانیها و مصیبت و گریه است که کشور شما را حفظ کرده. این مطلبی که الان القا کرده اند به جوان‌های ما که تا کی

گریه و تا کی روضه و اینها؟! بیایید تظاهر کنیم. اینها نمی فهمند روضه چیست؛ و این اساسی [را] کی تا حالا نگه داشته است، این را نمی فهمند، و نمی شود هم بهشان بفهمانیم. اینها نمی فهمند که این روضه و این گریه آدم ساز است؛ انسان درست می کند. این مجالس روضه، این مجالس عزای سیدالشهدا این آن تبلیغات بر ضد ظلم، این تبلیغ بر ضد طاغوت است. بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد. همین‌ها در عین حالی که جوان‌های خودشان که کشته شدند برایشان فریاد می زنند و چه می کنند، لکن بازی خوردند می گویند آن جوانها را از یادبرید! برای اینکه آنهایی که به اینها تلقین می کنند اساس را سیدالشهدا می دانند. اساسی که همه چیز را تا حالا نگه داشته، اوست. پیغمبر هم فرمود که انا من حسین یعنی دیانت را او نگه می دارد، و این فداکاری دیانت اسلام را نگه داشته است، و ما باید نگهش داریم. این جوانها توجه ندارند، البته یک دسته اند [که] تزریق به اینها شده از [طرف] اشخاصی. این قلم‌فرسها بازی‌تان ندهند اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازی‌تان ندهند این قلم‌فرسها! بازی‌تان ندهند این اشخاصی که با اسما مختلفه و با مرام‌های انحرافی می خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند. و اینها می بینند که این مجالس، مجالس روضه، ذکر مصایب مظلوم و ذکر جنایات ظالم، در هر عصری [مظلومان را] مقابل ظالم قرار می دهد. اینها ملتفت نیستند که اینها خدمت دارند می کنند به این کشور؛ خدمت دارند می کنند به اسلام. این‌هایی که به شما "ملت گریه" می گویند خیانت‌کارند، ارباب‌های‌شان از این گریه‌ها می ترسند. توجه ندارند جوان‌های ما! بازی این بزرگ‌ها را نخورید. اینها خیانتکارانند! اینهایی که تزریق می کنند به شما "ملت گریه"، "ملت گریه"، اینها خیانت می کنند. بزرگ‌های‌شان و ارباب‌های‌شان از این گریه‌ها می ترسند؛ دلیلش این است که رضاخان آمد همه اینها را برد ازین، و مامور بود. دلیلش این است که رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در رادیوی دهلی اعلام کرد که ما این را آوردیم، حالا هم بردیم! درست هم می گفتند. آورده بودند برای سرکوب کردن اسلام، و یکی از راههایش همین بود که این مجالس را از دست شما بگیرند. جوان‌های ما خیال نکنند که دارند یک خدمتی می کنند می روند توی مجلس اگر صحبت عزا بشود، می گویند نه، این را نگو، غلط است این حرف، باید این را بگویند، باید این ظلم‌ها را بگویند، تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت؛ و باید هر روز این کار بشود. این جنبه سیاسی دارد؛ جنبه اجتماعی دارد. (همان، 383)

3-3- روضه و مرثیه را با همان قوت و طوری که سابق می خواندند، بخوانند

امام (ره) حفظ نهضت انقلابی را برپایی عزاداری برای امام حسین (ع) می‌داندوت امام (ره) مجدداً تاکید داشتند که روضه را مثل گذشته و سابق بخوانند به عبارت دیگر روضه به شکل سنتی و قدیم مورد نظر امام (ره) می‌باشد.

"عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد. باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید. البته اگر یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید یک قدری تصفیه بشود، لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همان طور که سابق می‌خواندند و مرثیه را همان طور که سابق می‌خواندند، بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری. این خون سیدالشهداست که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دسته جات عزیز عاشوراست که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. در این امر، سستی نباید کرد. البته باید مسائل روز گفته بشود. باید در همه منابر به این جوان‌هایی که گول خورده اند - از این منافقین و امثال آنها - نصیحت بشود، دعوت به حق بشود. باید آنها را فهماند که اینهایی که شما را دعوت می‌کنند که به ضد جمهوری اسلامی قیام کنید، اینها با اسلام بدنند؛ با اسم اسلام، می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. اینها یک روز با مقاصد اسلامی همراه نبوده اند. اینها نهج البلاغه و قرآن را اسباب دست قرار دادند؛ برای اینکه نهج البلاغه و قرآن را از بین ببرند. و این جوانهای بی اطلاع، این دخترهای بی اطلاع، این پسرهای بی اطلاع [که دستخوش این تبلیغات سوء اینها شده اند و در مقابل ملت ایستاده اند و در مقابل ملت می‌خواهند کاری انجام دهند، حالا باید بفهمند اینها که نمی‌توانند کاری انجام دهند. اگر بیابند در خیابانها و بخواهند شلوغ بکنند، همان خود مردم آنها را تربیت می‌کنند. قوای نظامی و انتظامی قدرتمندند و جلوی اینها را می‌گیرند. شما بچه‌ها و جوان‌ها، چرا خون خودتان را به هدر می‌دهید؟ شما برگردید به اسلام، رها کنید این اشخاصی که شما را اغوا می‌کنند و بیایید توبه کنید، قبل از اینکه در صحنه گرفتار بشوید که آن وقت مشکل است. اید مردم را آشنا کنید به وظایف خودشان. و از مردم هم تقاضا می‌شود که راهپیمایی‌ها به عنوان راهپیمایی نباشد، به عنوان دستجات باشد. همان دستجات سنتی باحفظ جهات شرعی اسلامی. و عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید. شما گویندگان نقش مهمی در این باب دارید و مسئولیت بزرگی هم دارید؛ چنانچه تمام علما، هم نقش بزرگ دارند، هم مسئولیت بزرگ. هر کس به اندازه خودش مسئولیت

دارد. (همان. جلد، پانزدهم، ص 333)

3-4- عامل پیوند عمیق مردم

ایشان دلیل چنین تفکری را در سخنرانی‌های مختلف خود ارائه نموده‌اند در بخشی از سخنرانی خود می‌فرماید:

در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، می‌ترسند. این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است و اگر یک مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید، سرتاسر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یک‌دفعه منتشر می‌شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می‌شود که سازمان داده شده باشد. اگر قدرت‌های بزرگ در منطقه‌های خودشان بخواهند که یک اجتماعی ایجاد کنند، با فعالیت‌های زیادی که شاید چند روز یا چند دهه می‌کنند، در یک شهری، یک عده- فرض کنید- صدهزار نفری، پنجاه هزار نفری با خرج‌های زیاد و زحمتهای زیاد، مجتمع می‌شوند و به قول آن کسی که می‌خواهد صحبت کند، گوش می‌دهند. لکن شما می‌بینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است، این مجالس عزایی که مردم را به هم جوش داده است، به مجرد این‌که یک مطلبی پیش می‌آید، در یک شهر نه، در سرتاسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهدا مجتمع می‌شوند و احتیاج به این‌که زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود ندارد؛ با یک کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهدا- سلام الله علیه- بیرون می‌آید، همه با هم مجتمع می‌شوند.

3-5- عزاداری زمینه ساز انقلاب

شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می‌آمد. هیچ قدرتی نمی‌توانست ۱۵ خرداد را آن‌طور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا. و هیچ قدرتی نمی‌تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرت‌های بزرگ برای او توطئه چیده‌اند، این توطئه‌ها را خشتی کند، آلا همین مجالس عزا. در این مجالس عزا و سوگواری و نوحه سرایی برای سید مظلومان و اظهاری مظلومیت؛ یک کسی که برای خدا و

برای رضای او جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، این طور ساخته جوانانی را که می‌روند در جبهه‌ها و شهادت را می‌خواهند و افتخار به شهادت می‌کنند و اگر شهادت نصیبشان نشود متأثر می‌شوند و آن‌طور مادران را می‌سازد که جوان‌های خودشان را از دست می‌دهند و باز می‌گویند باز هم یکی دو تا داریم. این مجالس عزای سیدالشهداست و مجالس دعا و دعای کمیل و سایر ادعیه است که می‌سازد این جمعیت را این‌طور، و اساس را اسلام از اول بنا کرده است به طوری که با همین ایده و با همین برنامه به پیش برود و چنانچه، واقعاً بفهمند و بفهمانند که مسئله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه این قدر ارج پیدا کرده و اجر پیش خدا دارد، آن وقت ما را «ملت گریه» نمی‌گویند، ما را «ملت حماسه» می‌خوانند. اگر بفهمند آن‌ها که حضرت سجاد - سلام الله علیه- که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه‌ای که از او باقی مانده است، چه کرده است و چطور می‌تواند تجهیز بکند، به ما نمی‌گفتند که ادعیه برای چیست؟ اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت، جنبه سیاسی و اجتماعی‌اش چیست، نمی‌گویند که برای چه این کار را بکنیم. تمام روشنفکرها و تمام غریزه‌ها و تمام قدرتمندها اگر جمع بشوند، نمی‌توانند یک ۱۵ خرداد را ایجاد کنند. آن‌چه این قدرت را دارد آن است که در تحت لوای او همه مجتمعند.... تقریباً ما به این مرتبه رسیده‌ایم که ملت ما یکدفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یکدفعه یک انفجاری حاصل شد که این انفجار در برکت همین مجالسی بود که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع می‌کرد و همه به یک نقطه نظر می‌کردند. این مسئله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه درست بیشتر از آن قدری که من می‌دانم، برای مردم تشریح کنند تا اینکه گمان نکنند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه‌ها، یک قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم. (همان، جلدش... انزده، ص 208)

3-6 - حفظ نظام با گریه بر امام حسین (ع)

همین گریه‌ها و نوحه‌ها ما را زنده نگه داشته است، همین گریه‌ها نگه داشته این مکتب را تا اینجا و همین نوحه سرایی‌ها، همین‌هاست که ما را زنده نگه داشته، همین‌هاست که این نهضت را پیش

برده، اگر سیدالشهدا نبود، این نهضت هم پیش نمی برد، سیدالشهدا همه جا هست: کل ارض کربلا. همه جا محضر سیدالشهدا است، همه منبرها محضر سیدالشهدا است، همه محراب‌ها از سیدالشهدا علیه السلام است. (همان، جلد هشتم، ص 527)

3-7- جنبه سیاسی عزاداری

مهم جنبه سیاسی مجلس عزا است نه گریه کردن برای اجر این که بعضی از ائمه - شاید امام باقر بوده، من الآن خوب یادم نیست- می فرماید که برای من یک نفر نوحه سرا در منی بگذارید که آن جا برای من گریه بکند و عزا بگیرد، نه این است که حضرت باقر- سلام الله علیه- احتیاج به این داشته است و نه این که برای او شخصاً فایده‌ای داشته است، لکن جنبه سیاسی او را ببینید. در منی آن وقتی که از همه افطار عالم، آدم می آید آن جا، یک کسی بنشیند یا اشخاصی نوحه سرایی کنند برای امام باقر و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را- مثلاً- به شهادت رساندند، ذکر کند و این مسئله موجی باشد در همه دنیا. مجلس عزا نه برای این است که گریه کنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند - البته این هم هست و دیگران را اجر اخروی نصیب کند - بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این [که] اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند.

آن وقت ما را "ملت گریه" نمی گویند، ما را "ملت حماسه" می خوانند

این مجالس عزای سیدالشهداست و مجالس دعا و دعای کمیل و سایر ادعیه است که می سازد این جمعیت را این طور، و اساس را اسلام از اول بنا کرده است به طوری که با همین ایده و با همین برنامه به پیش برود. و چنانچه، واقعا بفهمند و بفهماند که مسئله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه این قدر ارج پیدا کرده و اجر پیش خدا دارد، آن وقت ما را "ملت گریه" نمی گویند، ما را "ملت حماسه" می خوانند. اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد - سلام الله علیه - که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه ای که از او باقی مانده است، چه کرده است و چطور می تواند تجهیز بکند، به مانمی گفتند که ادعیه برای چیست؟ اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت جنبه سیاسی و اجتماعی اش چیست، نمی گویند که برای چه این کار را بکنیم. تمام روشنفکرها و تمام غربزده ها و تمام قدرتمندها اگر جمع بشوند، نمی توانند یک 15 خرداد را ایجاد

کند. آنچه این قدرت را دارد آن است که در تحت لوای او همه مجتمعند. (همان، ص 346)

3-8- سقوط نظام شاهنشاهی با گریه بر امام حسین(ع)

از نظر امام خمینی (ره) عشق به سالار شهیدان و گریه براو سبب امدادهای غیبی و همچنین بصیرت سیاسی برای شناسایی حکومت ظالم می باشد ایشان گریه بر امام حسین علیه السلام را سبب نابودی حکومت شاهنشاهی می داند، ایشان می فرماید: همین گریه ها، یک قدرت 2500 ساله را از بین بردیم تقریباً ما به این مرتبه رسیده ایم که ملت ما یکدفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یکدفعه یک انفجاری حاصل شد که این انفجار در برکت همین مجالسی [بود] که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع می کرد و همه به یک نقطه نظر می کردند. این مسئله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه درست بیشتر از آن قدری که من می دانم، برای مردم تشریح کنند تا اینکه گمان نکنند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه ها، یک قدرت 2500 ساله را از بین بردیم. (همان، ص 347)

3-9- هماهنگی بین دولت و حفظ اتحاد و یکپارچگی با گریه بر حسین(ع)

امام(ره) برخلاف همه نظریه پردازان غرب و شرق که پیوند بین دولت و ملت را عوامل گوناگون مادی ذکر کردند ایشان از زاویه کاملاً جدا به پیوند مردم و دولت نگاه می کند ایشان دریانی می فرماید: “دولت‌ها با صدها میلیارد تومان هم نمی‌توانند کار مساجد و روضه‌ها را کنند همین مساجد و همین روضه‌ها و همین روضه‌های هفتگی، همین‌ها توجه مردم را و همان هماهنگی را ایجاد می کند. اگر دولت‌های دیگر بخواهند هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسر نیست برایشان. با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسر نیست. ما را سیدالشهدا این طور هماهنگ کرده. ما برای سیدالشهدایی که این طور هماهنگ کرده اظهار تاسف نکنیم، ما گریه نکنیم؟ همین گریه‌ها ننگه داشته ما را. گول این شیاطینی که می‌خواهند این حربه را از دست شما بگیرند گول اینها را نخورند جوان‌های ما. همین‌ها هست که ما را حفظ کرده. همین‌ها هست که مملکت ما را حفظ

کرده تکلیف آقایان روضه خوانی و تکلیف مردم برپایی دسته‌های شکوه‌مند سینه زن است تکلیف آقایان است روضه بخوانند. تکلیف مردم است دسته‌های شکوه‌مند بیرون بیاورند. دسته‌های سینه زن شکوه‌مند. البته از چیزهایی که برخلاف [است] مثلاً چه هست، از آنها پرهیز کنند. اما دسته‌ها بیرون بیایند، سینه بزنند. هر کاری که می‌کردند بکنند. اجتماعاتشان را حفظ بکنند. این اجتماعات است که ما را نگه داشته. این هماهنگی‌ها هست که ما را نگه داشته. گول‌شان می‌زنند این جوان‌های عزیز صافدل را. می‌آیند توی گوشش می‌خوانند، خوب دیگر گریه می‌خواهیم چه کنیم؟ گریه می‌خواهیم چه کنیم یعنی چه؟ ما تا ابد هم اگر برای سیدالشهدا گریه بکنیم، برای سیدالشهدا نفعی ندارد، برای ما نفع دارد، همین نفع دنیایی‌اش را شما حساب بکنید، آخرتی‌اش جای خودش، همین نفع دنیایی‌اش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می‌کند. ما این سنگر را نباید از دست بدهیم و کسانی که کوشش دارند که این سنگر را از ما بگیرند، آنهایی که از ما هستند و مردم صالحی هستند بازی خورده‌اند، پشت اینها یک دست مرموز فاسد مفسدی هست که می‌خواهد ملت ما را به تباهی بکشد و ما باید بیدار باشیم. ملت ما باید بیدار باشند. (پیشین، جلد 11، ص 100)

نتیجه‌گیری

حاصل سخن اینکه باتوجه به نظریه لیلی عشقی، جریان انقلاب اسلامی یک «حادثه درونی» است که برای ملت ایران اتفاق افتاده است. مردم ناگهان به گونه‌ای عمل کردند که همه دنیا و حتی خودشان هم از اینکه این طور شجاعت به خرج دادند، تعجب کردند. در حادثه انقلاب گویی هیچ چیز برای مردم مهم نبود و مردم صرفاً در صدد ابراز وجود خود بودند. می‌خواستند وجود داشته باشند و حرف خود را بزنند. کلامی که تأویل اسلامی و تحقق آن بود. درست از جنس حرکت امام حسین (ع) که آن حرکت نیز، حرکتی وجودی بود که گرچه به مرگ منتهی شد امام حسین (ع) آغازگر حرکت‌های متعدد در بستر تاریخ شد. تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم‌ستیزی، دوری جستن از خط انحراف، الهام گرفتن و الگو قرار دادن اسوه‌های هدایت از درس‌های وعبرتهای عاشورا است که در بیانات امام خمینی (ره) بیان شده است. دربیانات امام خمینی (ره) شاهد آن بودیم که ایشان با چه زیبایی انقلاب ایران را در راستای حرکت امام حسین (ع) قرار داده و با الگوگیری کامل از آن توانسته بود این انقلاب را شکل دهد حتی بقای انقلاب اسلامی را نیز محبت به امام حسین (ع) و بزرگداشت مراسم محرم و صفر و شرکت در مجالس عزای امام

حسین (ع) می دانست.

کتابنامه:

1. جعفر بن محمد ابن قولویه، (1395)، کامل الزیارات، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی استوار
2. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
3. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام (جلدهشتم) (اعتقاد قلبی در سخنگوی اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
4. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام (جلددهم) (هراس دشمنان از اسلام)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
5. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام (جلدسیزدهم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
6. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام (جلدپانزدهم) (اهمیت حفظ نظام جمهوری اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
7. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام (جلددهم) (مقایسه رژیم پهلوی با دولتهای اموی و عباسی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
8. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام (جلد یازدهم) (اهمیت حفظ نظام جمهوری اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
9. خمینی، روح الله، (1389)، صحیفه امام (جلدهفدهم) (مبهم بودن کیفیت نزول قرآن در شب قدر)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
10. دوانی، علی (1358)، نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)
11. سعیدی، حسن (1395)، زینب کبری و اشکهای امام زمان (عج) مشهد. هاتف
12. سعیدی، حسن (1394)، امام الشبیر (شرحی بر زندگانی و کرامات امام حسین (ع))، مشهد. هاتف
13. فردوسی پور، حجه الاسلام (1368)، درمخضر امام خمینی، تهران، روزنامه رسالت

68/4/14.

14. لیلی، عشقی (1395) ترجمه احمد نقیب زاده، زمانی میان زمان‌ها: امام، شیعه و

ایران، تهران، فلات

15. مجلسی، محمد باقر (1386) بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامی

16. محتشمی پور، علی اکبر (1386)، حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات

اسلامی